



مهدی یاوران

● نصرت الله آیتی

مقدمه

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد؛ یارانی که ستون‌های انقلاب‌اند و سنگینی آن را بر دوش می‌کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی، هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه‌های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده‌تر باشد، به ستون‌های محکم‌تری نیاز خواهد داشت. ما با نگاه به حجم و گستردگی این بنا، می‌توانیم دریابیم بر چه ستون‌هایی افرشته شده است؛ همچنان‌که با تأمل در اهداف و غایات آن نیز می‌توانیم، میزان و حجم ابزار و وسایل مورد نیاز و نیز پدیدآورندگان آن را گمانه‌زنیم.

در این نوشتار، به دنبال تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی علیه السلام و همراهان او هستیم؛ کسانی که در حرکت جهانی او، به مثابه بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت او و اهداف او هستند.

این نوشتار دو نتیجه‌ی اساسی در پی خواهد داشت:

اول این که دانستن این ویژگی‌ها، می‌تواند مقیاسی برای محک زدن خود و اهداف خود و معیاری برای فهم میزان قابلیت ما، در همراهی با حضرت و جهاد در رکاب او باشد. ما همیشه، منتظر رؤیت خورشید بوده‌ایم و شاید فردا، روز موعود باشد! آیا ما خود را برای آن روز مهیا کرده‌ایم؟ با فهم این ویژگی‌ها، می‌توانیم دریابیم که پای رفتن این راه را داریم یا نه و در آن روز موعود در کنار حضرتیم یا در مقابل او.

ثمره‌ی دوم، زمینه‌سازی برای ظهور است. توضیح این که فرارسیدن روز سراسر مبارک ظهور، بسته به دو عامل اساسی است که منطقی، با فقدان هر کدام از آنها، قیام حضرت، بی‌نتیجه خواهد بود:

۱. وجود زمینه‌ی مردمی؛ اگر در مردم، احساس نیاز به امام شکل نگیرد، وقتی او بیاید، قدرش را نخواهند دانست و به راحتی او را تنها خواهند گذاشت؛ بلکه شاید علیه او شمشیر نیز بکشند، همان‌گونه که اغلب مردم با پیشوایان معصوم علیهم‌السلام چنین کردند.
۲. فراهم آمدن یاران، همراهان و هم‌زمانی کارآمد و توانمند که با فقدان‌شان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آنها، در واقع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور و فرارسیدن آن روز مبارک است. در روایات، گرچه از این صفات، به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید یکی از پیام‌های این روایات، بر شمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی باید برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آنها به کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها باید بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست یافتن بدان‌ها قرار دهد.

ویژگی‌های یاران امام زمان علیه‌السلام

برای فهم ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه‌السلام، از دو مسیر می‌توان حرکت کرد: مسیر نخست، تأمل در روایاتی است که آن خصوصیات را بیان می‌کند. مسیر دوم، تحلیل میزان



عظمت و وسعت انقلاب و گستره حرکت حضرت و نیز توجه و تأمل در اهداف و آرمان‌های آن حرکت است.

در این گفتار، مسیر دوم را خواهیم پیمود؛ گرچه از روایات مربوط به این موضوع نیز بهره خواهیم برد.

ابعاد حرکت امام عصر (عج)

انقلاب امام مهدی علیه السلام، بزرگ‌ترین جنبش تاریخ بشریت است و از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است؛ از جمله:

■ **عمق؛** این حرکت، از عمیق‌ترین جنبش‌های بشریت است. منظور ما از «عمق»، بلندای اهداف و عظمت آرمان‌ها است که در عمل نیز به وقوع خواهد پیوست. این جنبش، به شعارهای پرزرق و برق و اهداف کم مایه نمی‌پردازد؛ بلکه انسان‌ها را به سوی معنویت و رشد، هدایت می‌کند و تمام استعداد‌های آنان را به سمت تعالی و شکوفایی جهت می‌دهد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم؛^۱ چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را به کمال برساند».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«توتون الحكمة في زمانه؛^۲ در دولت مهدی علیه السلام به شما حکمت بیاموزند».

■ **گسترده‌گی؛** این جنبش از نظر جغرافیایی و کمی، گسترده‌ترین جنبش‌ها است. موج این حرکت، از بزرگ‌ترین قاره‌ها گرفته تا کوچک‌ترین روستاها و کپرها را در می‌نوردد و آنها را به تلاطم درمی‌آورد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿و عدالله الذین، آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض...﴾^۳ فرمودند:

«لم یجیء تأویل هذه الآیة و لو قام قائمنا بعد سیری من یدرکه ما یکون من تأویل هذه



الایة و لیبلغن دین محمد ﷺ ما بلغ اللیل...؛^۴ تأویل این آیه، هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کرد، کسی که او را ببیند، تأویل این آیه را خواهد دید که دین محمد ﷺ به هر جا که شب وارد شود، خواهد رسید».

■ **امداد الهی؛ امداد الهی،** پشتوانه این حرکت است و اراده خداوند بر این تعلق گرفته که این حرکت به ثمر نشسته و حکومت صالحان سرانجام، سراسر گیتی را فرا گیرد: ﴿و نريد أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین﴾؛^۵ «ما خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

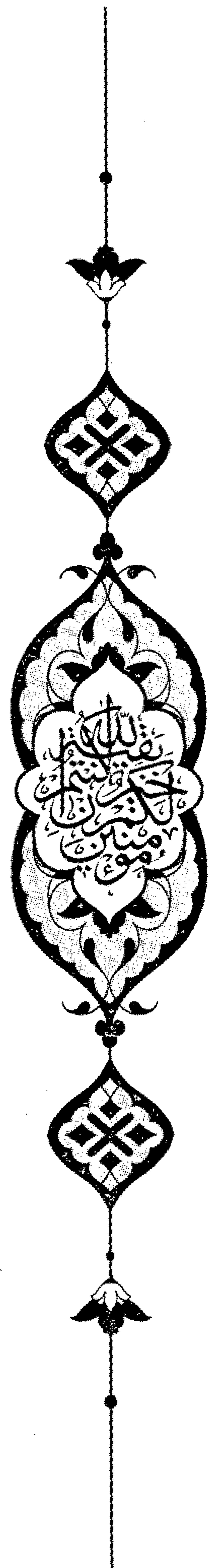
«هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جهمهم فيعزهم و يذل عدوهم؛ آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند، پس از سختی‌هایی که بر آنان می‌رسد، مهدی شان را بر می‌انگیزد و آنان را عزت بخشیده و دشمنان شان را خوار می‌گرداند».

■ **رهبری منحصر به فرد؛** رهبری ویژه این انقلاب، از دیگر ابعاد عظمت آن است. برای مرتبه بلند او، همین بس که امام صادق علیه السلام در وصف او فرمودند: «و لو أدركته لخدمته أيام حياتي؛^۷ اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به خدمت او می‌پرداختم».

■ **اصالت؛** جنبش حضرت، از نظر تاریخی، از ریشه دارترین حرکت‌ها است. اعتقاد به مصلح، در تمام ادیان و بسیاری از نحله‌ها و مکاتب بشری، وجود دارد؛ از آیین زرتشت گرفته تا یهودیت و مسیحیت و ...^۸

این توضیحی کوتاه درباره برخی از ابعاد حرکت بزرگ امام عصر علیه السلام بود. حال به تبیین لوازم آن می‌پردازیم.

نخستین بُعد از ابعاد عظمت حرکت حضرت، عمق آن بود. از عمق این حرکت و اهداف بلند آن، می‌توان به عمق باورها و ژرفای نگاه‌ها رسید؛ چرا که آن ثمره ارزشمند، جز بر این ریشه‌ها و شاخه‌ها نمی‌روید. مگر می‌توان بدون برخورداری از اعتقادات و نگاه‌های عمیق، اهدافی با این حد و اندازه داشت و نگاه‌ها را به افق‌هایی این چنین بلند دوخت؟!



یکم. بینش عمیق

یاران مهدی علیهم السلام، از بینش‌هایی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند.

۱. بینش عمیق نسبت به حق تعالی

«رجال عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدي في آخر الزمان»^۹؛ مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته‌اند، و آنان، یاران مهدی علیهم السلام در آخر الزمان‌اند.

«رجال كأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر»^{۱۰} آنان مردانی‌اند که دل‌هایشان گویا پاره‌های آهن است (سخت‌تر از سنگ). بدون هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند.

این باور، آن قدر با صلابت و استوار است که مرارت‌ها و مصیبت‌ها، در آن خللی ایجاد نمی‌کند و بلاها و امتحانات، آرامشش را به تلاطم نمی‌افکند و شبهات و سؤالات، در آن رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند.

آنان، از سرچشمه توحید ناب، سیراب‌اند و به حضرت حق - آن چنان که شایسته است - اعتقاد دارند: «فهم الذين وحدوا الله حق توحیده»^{۱۱} آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت او است، اعتقاد دارند. حرم دل‌هایشان رابت‌های نفس، ثروت و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد.

نتیجه این بینش عمیق، ایمان و تقوا است. این دو را هم در چهره عبادت‌ها و راز و نیازهایشان می‌توان دید «ذکر» و هم در آینه تلاش و کوششی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند «تلاش».

(الف) ذکر:

● «لهم في الليل أصوات كأصوات الثواكل حزنًا من خشية الله»^{۱۲} در دل شب، از خشیت

خداوند، ناله‌هایی دارند مانند ناله مادران پسرمرده.

● «قَوَّامٌ بِاللَّيْلِ صَوَّامٌ بِالنَّهَارِ»^{۱۳} شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان

می‌برند».

● «رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهْمٌ دَوَىٰ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوَىٰ النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَامًا عَلَىٰ اطْرَافِهِمْ وَ يَسْبِّحُونَ عَلَىٰ خِيُولِهِمْ»^{۱۴}؛ مردان شب زنده‌داری که زمزمه نمازشان، مانند نغمه زنبوران کندو، به گوش می‌رسد. شب‌ها را با زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند».

ب) تلاش:

یاران مهدی علیه السلام، نه تنها اهل «اطاعت و بندگی» اند؛ بلکه در این مسیر، اهل «جدیت و تلاش» نیز هستند و تمام توان خود را در این راه به کار می‌گیرند: «مُجَدِّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»^{۱۵} آنان در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش اند».

۲. بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام

یاران مهدی (ع)، امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند: «القائلین بِإِمَامَتِهِ»^{۱۶} اعتقادی که در ژرفای وجودشان ریشه دوانده و سراسر جان‌شان را فرا گرفته است. این معرفت، شناخت شناسنامه‌ای و دانستن نام و نشان او، و دانستن اسم پدر و مادر و محل تولد او نیست؛ بلکه معرفت به «حَقِّ وِلايَتِهِ» است؛ یعنی، فهم این حقیقت که او از من، به من نزدیک‌تر و سزاوارتر است و از مادر به من مهربان‌تر؛ چرا که عشق مادر، و حتی عشق من به خودم، غریزی است؛ اما عشق او، الهی و آسمانی است. او به سه دلیل، مرا برای خودم می‌خواهد:

۱. به جهت آگاهی‌اش به تمام هستی و استعدادها و توان‌مندی‌های من؛

۲. آزادی او از بند هوا و هوس‌ها و زندان خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها و...؛

۳. و قرب و اتصالی که به منبع لایزال رحمت و لطف هستی دارد.

او می‌خواهد سرشارم کند، تا آلودگی‌های نشسته بر بال روحم را بزدايد و لطافت و سفیدی پرهای آن را، دوباره به آن بازگرداند و بر دست‌های مهربانش نشانده، به اوج آسمان‌ها و کنگره عرش الهی پرواز دهد.

نتیجه این بینش عمیق، محبت و اطاعت است:

الف) محبت:

دل‌های یاران مهدی علیه السلام، سرشار از محبت او است. بر آن لوح‌ها، جز الف قامت او نوشته‌ای نیست. این شیدایی تا بدان حد است که حتی زین اسب او را، مایه برکت می‌دانند و به آن تبرک می‌جویند: «یتمسحون بسرج الامام یطلبون بذلك البرکة؛^{۱۷} به عنوان تبرک، بر زین اسب امام دست می‌کشند».

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، او را مانند نگینی در برمی‌گیرند و جان خود را سپر بلایش می‌کنند: «یحقون به و یقونه بأنفسهم فی الحرب؛^{۱۸} در میدان رزم، گردش می‌چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند».

چه بسیار است فاصله میان ما و یاران او؛ چرا که ما از جان و حتی وقت خود، برای او سهمی قرار نداده‌ایم، و چه اهداف و آرمان‌هایی از او که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت‌هایی از او که بی پاسخ مانده است!؟

ب) اطاعت:

دومین ثمره درخت بینش، «اطاعت» و مقدم داشتن اراده او بر اراده خود است. یاران امام عصر (عج)، این چنین‌اند و در برابر او تسلیم و خاضع‌اند: «هم أطوع من الأمة لسیدها؛^{۱۹} اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیش‌تر است».

آنان در برابر قرائت امام، از خود قرائتی ندارند و اراده نفس اماره خود و اکثریت را، بر اراده و میل او مقدم نمی‌پندارند. یاران او، نیک می‌دانند که حق، با امام است و او با حق؛ چه دیگران بپذیرند و چه انکار کنند. آنان به بهانه نواندیشی و روشن‌بینی، از امام خود سبقت نمی‌گیرند و گرچه پشت سر او در حرکت‌اند، ولی پای از دام‌ها برمی‌گیرند تا از او فاصله نگیرند. آنان نه تنها مطیع‌اند، بلکه بر خلاف بسیاری - که به بهانه فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و... - از خدمت به او و اهدافش شانه خالی می‌کنند؛ در اطاعت او، اهل جدیت و تلاش‌اند و برای بر زمین نماندن آرمان‌های او، خود را به آب و آتش



می‌زنند و از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند: «...مجدّون في طاعته»^{۲۰} و در این رسالت بزرگ همراه و هم پای امام هستند: «بهم ينصُر الله إمامَ الحق»^{۲۱}.

۳. بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

اگر یاران او به کم‌ها قانع نیستند و در حرکت فراگیرشان، اهداف کم‌مایه را دنبال نمی‌کنند؛ جهت ژرفای نگاهی است که نسبت به خود و جهان پیرامون خود دارند. نگاه‌های آنان، از آرمان‌های کم‌ارزش، برگرفته و به اوج‌های متعالی دوخته می‌شود. یاران او، با تأمل در خویشتن و استعداد‌های شگفت‌انگیزشان، عظمت قدر خود را در می‌یابند و از این‌که دنیا و معبودهای دنیوی، آنان را پر نمی‌کنند، مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می‌فهمند. آنان با این نگاه، به معبودی پیوند می‌خورند که از تمام کاستی‌ها و زشتی‌ها مبرا است و می‌تواند آنان را سرشار و ظرفیت‌هایشان را تکمیل کند. پیوند با این معبود نامحدود و مهربان، نگاه‌ها را زیبا و متعالی می‌کند.

گذر از امتحانات

عمق و ژرفای این نگاه، آنان را از سیل امتحانات، سرافرازانه بیرون می‌برد: «إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿مَبْتَلِيكُمْ بَنَهْرًا﴾ وَ انْ اصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ؛ سپاهیان طالوت، با نهر آبی آزمایش شدند، همان‌که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: [خداوند]، شما را با نهر آبی می‌آزماید»، و یاران امام مهدی عليه السلام نیز مثل آنان آزمایش می‌شوند».

آرزوی شهادت

و آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می‌کند: «و يَتَمَنَّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۲۲} آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند».

دوم. گستردگی

دومین بعد از ابعاد عظمت حرکت امام مهدی، جهانی بودن و گستردگی آن است که بر



این اساس به تبیین ویژگی‌های یاران حضرت می‌پردازیم:

۱. طرح و برنامه جهانی

اگر یاران حضرت می‌خواهند در رکاب او و هم پای او، جهانی را به معنویت و رشد برسانند و دنیا را سرشار از هدایت کنند؛ بدون تردید باید دیدگاهی وسیع، نگاهی جهانی و طرح‌ها و برنامه‌هایی فراگیر داشته باشند. بدون برخورداری از این نگاه‌ها و طرح‌ها، انتظار انقلاب جهانی، انتظاری بیهوده است. با این حساب، چند گروه، با آن حضرت نسبتی نخواهند داشت:

۱. تنگ‌نظرانی که تنها مقابل پای خویش را می‌بینند و وسعت نگاه‌شان از خود و محدوده خود فراتر نمی‌رود؛

۲. کوتاه‌بینانی که در لاک خویش فرو رفته‌اند و از دنیای پیرامون خود و تحولات آن و نیز از جبهه کفر و اهداف و ابزارهای تحت اختیارش بی‌خبراند؛

۳. کسانی که از این‌ها مطلع‌اند؛ ولی برای رویارویی با آن طرح و برنامه‌ای ندارند. مگر می‌توان بدون طرح و برنامه‌ای جهانی، دنیا را به سعادت و خوش‌بختی رساند؟

۲. جهاد و مبارزه جهانی

بعد از آن طرح و برنامه فراگیر، امام بر آن خواهد شد تا دنیا را سرشار از هدایت کند و یاران او نیز در این سازندگی پا به پای او خواهند آمد و در عیان و نهان، مردم را به خدا و دین او دعوت خواهند کرد: «الدعاة إلى دين الله سرّاً و جهراً».^{۲۳}

در این میان، هدایت‌گريزان و عدالت‌ستیزان فراوانی نیز وجود خواهند داشت که در برابر او، صف کشیده و سدّ راهش خواهند شد. آنان، به مثابه غده‌ای چرکین و عضوی فاسد، برای پیکر جامعه بشریت‌اند و امام چاره‌ای جز جهاد و مبارزه برای قطع آن اعضای فاسد نخواهد داشت. بنابراین یاران و همراهان او نیز، باید اهل جهاد و مقاومت باشند؛ جهادی که «فی سبیل الله» است؛ نه به هدف غنیمت‌یابی و زراندوزی. امام علی علیه السلام

در تفسیر آیه ﴿يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾^{۲۴} فرمودند: «هم أصحاب القائم؛^{۲۵} آنان، یاران امام قائم اند».

این جهاد، مبارزه با دنیایی از ظلم و ستم است و به همین سبب امام رضا علیه السلام به اصحاب خود فرمود: «امروز، شما آسوده‌تر از آن روزید (روز ظهور)» پرسیدند: چرا؟ فرمودند: «اگر قائم ما علیه السلام قیام کند، چیزی وجود نخواهد داشت جز خون بسته شده و عرق پیشانی و خواب برزین اسب‌ها».^{۲۶}

دنیا خواهان و رفاه طلبانی که به خوشی‌ها خو کرده‌اند و از جنگ و جهاد گریزان‌اند و مقدس‌مآبان بزدلی که با جهاد و مقاومت و خون و شمشیر بیگانه‌اند؛ در حلقه یاران حضرت راهی نخواهند داشت.

۳. شجاعت

اگر جهاد و مبارزه، جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین داشته باشند؛ چراکه بدون آن، قدم‌هایارای حرکت نخواهد داشت:

- «كَلِّمَ لِيُوثُ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا»^{۲۷} همه شیرانی‌اند که از بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمی‌کنند».
- «جُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ»^{۲۸} دل‌هایشان، چون پاره‌های آهن شده است».
- «فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^{۲۹} به هر کدام‌شان، نیروی چهل مرد داده شده است».
- «لَوْ مَرَّوْا بِالْجِبَالِ لَقَطَعُوهَا»^{۳۰} اگر به کوه‌های آهن روی آورند، آن‌ها را قطعه قطعه می‌کنند».

۴. ایثار

آن حرکت گسترده، برای هدایت و سازندگی است؛ نه جهان‌گشایی و زمین‌گیری. جهاد، مقدمه این آرمان الهی است و آن‌چنان که رسول صلی الله علیه و آله از حق اهل بیت خود علیهم السلام چشم می‌پوشاند و آنان را در تنگنا و مضیقه قرار می‌داد، تا دیگران به رفاه برسند و از این



رهگذر دل‌هایشان نرم و نسبت به دین مایل گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کان من تألفه لهم أن کان الناس فی السکن و القرار و الشبّع و الرّیّ و اللباس و الوطأ و الدثار و نحن اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله لا سقوف لبیوتنا و لا ابواب و لا سور الا الجرائد و ما اشبهها و لا وطأ لنا و لا دثار علینا تُداولنا الثوب الواحد فی الصلاة اکثرنا و نطوی الایام و اللیالی جوعاً عامتنا... فیؤثر به رسول الله صلی الله علیه و آله ارباب النعم و الاموال تألفاً منه لهم و استکانة منه لهم؛^{۳۱} از جمله مهربانی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مردم این بود که آنان در آرامش و سیری و پوشش بودند. زیرانداز و روانداز داشتند؛ ولی خانه‌های ما (خاندان او) سقف و در و دیواری به جز شاخه‌های خرما و مانند آن نداشت و فرش و رواندازی نداشتیم؛ بیشتر ما، برای نماز تنها لباس مان را دست به دست می‌چرخاندیم و روزها و شب‌های سال مان را به گرسنگی سپری می‌کردیم... او از سر مهربانی و فروتنی، صاحبان نعمت و مکت را بر ما مقدم می‌داشت».

یاران حضرت مهدی (عج) نیز سختی‌ها را به جان می‌خرند و از خوشی‌ها و لذایذ چشم می‌پوشند و با دست‌های مهربان‌شان، خوبی‌ها و خوشی‌ها را به دیگران هدیه می‌دهند؛ تا از این رهگذر، قلب‌ها را نرم کنند و رهیدگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند.

۵. بردباری

تصوّر این‌که در عصر ظهور کارها، خود به خود به سامان می‌رسد و بدون تحمّل مشقّت‌ها، کاستی‌ها و کژی‌ها، از جامعه رخت بر می‌بندد و از همان ابتدا، همه غرق رفاه و لذّت می‌شوند؛ خیال خام و تصوّر باطلی است. مفضل بن عمر می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم؛ از سبب ناراحتی و غمگینی من پرسیدند. عرض کردم: به وضع بنی عباس و حکومت و جبروت شان می‌نگرم. اگر این حکومت برای شما بود، ما نیز همراه شما بودیم و از آن بهره می‌بردیم. حضرت فرمودند: «ای مفضل! بدان که اگر چنان می‌شد، شب‌ها، کاری نبود جز سیاست و تدبیر امور مردم و روزها، جز درگیر کار مردم بودن، غذای

نامطبوع و ناگوار و لباس خشن مانند علی علیه السلام، و الا آتش بود و دوزخ»^{۳۲}.
به راستی مگر می شود امام مهدی علیه السلام خود، لباس خشن بپوشد و طعام ناگوار بخورد:
«ما لباس القائم الا الغلیظ و ما طعامه الا الجشيب»^{۳۳} ولی یاران و همراهانش غرق رفاه و
خوشی باشند؟».

امام علی علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام می فرماید: «انَّه يأخذ البيعة عن أصحابه أن لا
يكنزوا ذهباً و لا فضةً و بُرّاً و لا شعيراً و يلبسون الخشن من الثياب»^{۳۴} او از یارانش بیعت
می گیرد که طلا و نقره ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره نکنند و لباس خشن بپوشند و...».

آنان، در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی علیه السلام، مشکلات و مصائب فراوانی را به
جان می خرنند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ می پندارند و به جهت
هجوم سختی ها و تحمل مشقت ها، بر خداوند منت نمی گذارند: «قوم لم يمتوا على الله
بالصبر»^{۳۵} و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده، تقدیم آستان دوست
می کنند، هرگز به خود نمی بالند و آن را بزرگ نمی شمارند: «و لم يستعظموا بذل أنفسهم في
الحق»^{۳۶}.

۶. یک دلی

آنان یک رنگ و یک دل اند: «قلوبهم مجتمعة»^{۳۷} و این نیست مگر به این سبب که
هواها و خودخواهی ها، از جان شان رخت بر بسته و به جای آن، خدا خواهی و
خداپرستی نشسته است. با این اتحاد و یک رنگی است که می توان به اهداف جهانی دست
یافت و آرمان های الهی را تحقق بخشید. سپاهی که از اختلاف و چنددلی رنج می برد،
چگونه می تواند سرافرازانه بام دنیا را فتح کند.

۷. استواری

حرکت بزرگ حضرت ولی عصر (عج)، برخوردار از پشتوانه امداد الهی است و بدون
برخورداری از امدادهای ویژه الهی، هرگز به آرمان های خود دست نخواهد یافت. توجه
به وجود این تأییدات الهی، تأثیر شگرفی بر روان یاران امام بر جای خواهد گذاشت. یقین



به آن امدادها، باعث می‌شود، ذره‌ای در درستی آرمان‌ها و مسیر خود تردید نکنند و ملامت‌ها و سرزنش‌های کوتاه‌بینان و عافیت‌طلبان، در عزم‌شان خللی نیفکند.

قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... وَ لَا يُخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾؛^{۳۸} ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد [به خدا، زبانی نمی‌رساند]. خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند... آنان از سرزنش هیچ ملامت‌کننده‌ای هراسی ندارند».

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هم أصحاب القائم؛^{۳۹} آنان، یاران امام قائم علیه السلام هستند».

اگر این انقلاب، از رهبری ویژه برخوردار است فیض حضور درکنار چنین امامی - که رسالت پیامبران و اولیا در طول تاریخ بشریت را بر دوش می‌کشد و می‌خواهد بار بر زمین مانده آنان را به مقصد برساند - برای کسانی فراهم خواهد شد که در خود تناسبی با آن امام فراهم کرده باشند و مانند او، خالق هستی را در همه شؤون حیات و هستی‌شان، جریان و حضور بخشند. شاید از همین رو است که از آنان به «مردان الهی» تعبیر شده است: «رجال الهیون».^{۴۰}

اهداف و آرمان‌ها

ما تاکنون، برخی از ابعاد انقلاب بزرگ حضرت را بیان کرده، به تبیین ویژگی‌های یاران ایشان از این منظر پرداختیم. در صدر سخن گفتیم راه دیگری نیز برای فهم خصوصیات یاران امام مهدی (عج) وجود دارد و آن تحلیل اهداف انقلاب بود.

با نگاه به اهداف و آرمان‌های انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) نیز می‌توان ویژگی‌های یاران او را - که در واقع پدید آورندگان و ابزار آن اهداف اند - گمانه زد. در قسمت‌هایی از دعای ندبه، به برخی از این اهداف، اشاره شده است. بدین منظور، مروری کوتاه به دعای ندبه خواهیم داشت:

۱. **ستم سوزی:** «این المعدّ لقطع دابر الظلمة؛ کجا است مهیا شده برای ریشه کن کردن



نسل ستمگران!

یکی از آرمان‌های حضرت، ظلم ستیزی است. اصولاً، در روایات فراوانی، به عدالت گستری و ظلم ستیزی حضرت اشاره شده است: «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلماً وَ جوراً».^{۴۱} کسانی خواهند توانست همراه او برای قطع ریشه‌های ظلم و بی‌عدالتی، کمر همت بسته و در این مسیر استوار بمانند که خود، از ظلم‌گریزان بوده و خویشتن را از جور و ستم پیراسته باشند؛ چرا که حضرت مهدی (عج)، از ظالمان به عنوان بازوی خود، استفاده نخواهد کرد.

ظلم، مصادیق فراوانی دارد؛ مانند ظلم به خویشتن (فروختن خویشتن به ارزان‌تر از لقای حق و جهت مادی و حیوانی دادن به استعدادها و توان‌مندی‌های خود) و ظلم به خانواده، دوستان، جامعه و... هم‌چنین احتکار، اسراف، سلب آسایش، اهمال در حقوق دیگران، و... همه از مصادیق ظلم است و مرتکبان آن، بیرون از محفل یاران حضرت خواهند بود.

۱.۲ احیای سنن: «أین المدّخر لتجدید الفرائض و السنن؛ کجا است، آن ذخیره‌ای که فریضه‌ها

و سنّت‌ها را احیا می‌کند»!

از دیگر رسالت‌های حضرت، احیای فریضه‌ها و سنّت‌های الهی است. یاران او، در انجام دادن فرایض و سنّت‌های الهی، اهتمام کامل خواهند داشت؛ زیرا نخستین قدم برای انجام دادن این رسالت، رعایت آن از سوی احیاکنندگان آن است.

از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، سنّت‌های نیکویی در رابطه با گفت و شنود، رفت و آمد، غذا خوردن، لباس پوشیدن و... به جای مانده است؛ ولی متأسفانه بسیاری از آنها مهجور مانده است.

آنان که رعایت شیوه‌ها و مدهای رایج جامعه را، برخود فرض می‌دانند و سنّت‌ها و روش‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را فراموش کرده‌اند؛ در جمع یاران حضرت راهی نخواهند داشت.

۱.۳ احیای قرآن: «أین المؤمنل لإحیاء الكتاب و حدوده؛ کجا است آن که آرزو می‌رود قرآن



و حدودش را زنده کند». حضرت خواهد آمد تا قرآن، را از غربت به در آورد و گردهای نشسته بر رخس را بزداید. آن را از کنج مساجد، به متن زندگی انسان‌ها بیاورد و دردهایشان را با آن تسکین بخشد و نابسامانی‌ها را به سامان رساند.

بیگانگان با قرآن - که هفته‌ها و ماه‌ها قرآن را نمی‌گشایند و انس و الفت‌شان با اشعار، آثار ادبی و رمان‌ها، از انس با قرآن بیش‌تر است - در بزم با صفای یاران حضرت، جایگاهی نخواهند داشت. اما یاران حضرت، نه تنها اهل قرائت قرآن‌اند؛ بلکه آن را در اعماق جان‌شان جریان بخشیده و با آن زندگی می‌کنند و روح‌شان، را صفا می‌بخشند.

«تُجلی بالتنزیل بصائرهم و یرمی بالتفسیر مسامعهم»^{۴۲} با قرآن، دیدگان‌شان نورانی می‌شود و

تفسیر آن، در گوش جان‌شان، جای می‌گیرد».

۴. عصیان ستیزی: «این مبیید أهل الفسوق و العصیان و الطغیان؛ کجا است آن بنیان‌کن

اصحاب فسق و عصیان و طغیان!»

از دیگر برنامه‌های امام مهدی علیه السلام، مبارزه با اهل فسق و نافرمانی است و زندگی یارانش از این آلودگی‌ها پاک است. آنان، هم چنان‌که با خدای خود عهد بسته‌اند که از اطاعت او سر نییچند؛ با ولی او نیز بیعت بسته‌اند که از محارم الهی چشم‌پوشند».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّه یأخذ البیعة عن أصحابه علی أن لا یسرقوا و لا یزنوا و لا یسبوا مسلماً و لا یقتلوا محرماً... و لا یضربوا أحداً إلاّ بالحق... و لا یأکلوا مال الیتیم... و لا یشرّبوا مسکراً...»^{۴۳} از اصحاب خود بیعت می‌گیرد که دزدی نکنند، دامن‌شان را به آلودگی نیالایند، مسلمانی را دشنام ندهند، کسی را به ناحق نکشند... کسی را نزنند؛ مگر این که مستحق آن باشد، ... مال یتیم را نخورند، ... شراب ننوشند...».

۵. عزت دوستان: «این معزّ الأولیاء و مذلّ الأعداء؛ کجا است عزّت بخش دوستان و خوار

کننده دشمنان!».

در طول تاریخ - به جز بعضی از زمان‌ها - به سبب بهره‌مندی عده‌ای از زر و زور و به کاربردن حیل و تزویر، غلبه و عزّت ظاهری برای جبهه باطل بوده است و مؤمنان و پارسایان واقعی، به ظاهر زبون و خوار و در چشمان کوتاه بین دنیاپرستان، کم‌ارزش و

زبون بوده‌اند. و آن حضرت می‌آید تا به این ستم تاریخی پایان دهد و عزت واقعی مؤمنان را در ظاهر نیز نمایان سازد و بی‌مایگی و بی‌پایگی عزت ظاهری جبهه طاغوت را بر ملا کند. کسانی خواهند توانست با او در پیمودن این مسیر، همراه و هم‌قدم باشند که به عزت واقعی پارسایان، با تمام وجود اعتقاد داشته باشند و باطل را - با تمام ظاهر فریبنده و پرهیاهوی خیره‌کننده‌اش - ذلیل و زبون بدانند؛ نه این‌که در برابر اهل دنیا و اربابان زرو زور، خاکسار و فروتن باشند و در برابر مؤمنان تهی دست، متکبر و مغرور! امام علی علیه السلام در تفسیر آیه ﴿... أذلة على المؤمنين أعزّة على الكافرين﴾^{۴۴} فرموده است: «هم أصحاب القائم؛^{۴۵} آنان، یاران امام قائم علیه السلام هستند».

بشارت‌ها:

۱. جوانان، از آن جا که از فطرت‌هایی پاک و بی‌آلایش برخوردارند و تعلقات و وابستگی‌ها، در اعماق جان‌شان ریشه ندوانده است؛ بیشتر یاران آن حضرت را تشکیل خواهند داد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یاران امام قائم علیه السلام، جوان‌اند و در میان‌شان پیر یافت نمی‌شود؛ به جز اندکی، مانند سرمه در چشم و نمک در طعام که کم‌تر از هر ماده در طعام، نمک آن است».^{۴۶}

البته، جوان بودن یاران امام، لطمه‌ای به جایگاه پیران با ایمان نزده و بر عدم همراهی ایشان گواهی نمی‌دهد؛ چرا که اولاً پیران - گرچه تعدادشان اندک است - اما باز هم در میان اصحاب ویژه حضرت حضور دارند و ثانیاً، به جز ۳۱۳ یار اصلی، مؤمنان بسیاری نیز گرد حضرت جمع شده و ایشان را یاری خواهند کرد.

۲. بر اساس برخی از روایات، بانوان نیز در میان اصحاب ویژه حضرت، حضور چشم‌گیری دارند. و این، نوید شوق‌انگیز و شگفت‌آوری برای بانوان است تا کمر همت بسته و برای پیوستن به این جمع پربرکت، تمام توان خود را به کار گیرند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یجیی - و الله - ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکة»



علی غیر میعاد؛^{۴۷} به خدا سوگند! ۳۱۳ تن که پنجاه تن از بانوان نیز در میان شان حضور دارند، بدون هیچ قرار قبلی، در مکه گرد هم جمع خواهند شد.»

آنچه گذشت، شمه‌ای از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام بود. به جهت برخورداری از این خصوصیات، در روایات، از آنان به عظمت یاد شده و پیشوایان معصوم علیهم السلام زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

امام علی در وصف آنان می‌فرماید: «فبأبي و أمي من عدّة قليلة أسمائهم في الأرض مجهولة...»^{۴۸} پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته‌اند...!»

«أولئك هم خيار الأمة مع أبرار العترة؛^{۴۹} آنان خوبان امت اند با نیکان خاندان (پیامبر صلی الله علیه و آله)».

شاید دانستن این ویژگی‌ها، برای برخی، به جای آن که امید بخش و حرکت‌زا باشد، باعث سستی و ناامیدی گردد؛ چرا که به حق، یاران امام مهدی علیه السلام از صفاتی عالی و کمالاتی بی‌شمار برخوردارند و این ویژگی‌ها، به ظاهر، از حدّ و اندازه انسان‌های معمولی فراتر است. شاید برخی با مقایسه خود با آنان - به جهت ضعف‌ها و کاستی‌هایشان - فاصله خود را با آنان، غیر قابل جبران بیندارند! اما توجه به دو نکته، ما را از دام این یأس و ناامیدی می‌رهاند و دل‌مان را سرشار از نور امید و یقین می‌کند:

یکم. در صورتی ویژگی‌های یاد شده، یأس‌آور خواهد بود که ما بر این باور باشیم که یاران حضرت، افرادی معین‌اند که مثلاً اسامی آنان در روایات آمده و کسی نمی‌تواند از آن جمع خارج شده و یا به آنان بپیوندد. ولی خوش‌بختانه برای این باور، دلیل و مبنای متقنی وجود ندارد. البته در روایات از افراد معینی (مانند اصحاب کهف، سلمان فارسی، مالک اشتر و...) نام برده شده است^{۵۰}؛ ولی - بر فرض صحت اسناد این روایات - اینان عدّه اندکی از یاران حضرت‌اند و هنوز زمینه برای دیگران مهیا است.

انسان، حقیقتی بس پیچیده و اسرارآمیز، با قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های خیره‌کننده دارد و تا قلب انسان، از تپش نایستاده، می‌تواند خود را از حضيض خاک به اوج افلاک برساند؛ به شرط این که «خود» را باور داشته باشد و بداند که می‌تواند. یاران آن حضرت، نه از دیگر کرات و آسمان‌ها هستند و نه تافته جدا بافته! آنان نیز انسان‌هایی، از همین آب و



خاک‌اند و پدران و مادرانی چون پدران و مادران ما دارند. خداوند نیز اگر به آنان عنایتی می‌کند، به جهت لیاقتی است که خود در خویشتن پدید آورده‌اند. پس مانیز می‌توانیم خود را به جمع‌شان ملحق کنیم؛ به شرط این‌که بخواهیم. از همین‌رو، پیامبر ﷺ به سلمان فارسی فرمود: «یا سلمان! إِنَّكَ مُدْرِكُهُ وَ مِنْ كَانِ مِثْلَكَ وَ مَنْ تَوَلَّاهُ هَذِهِ الْمَعْرِفَةُ...»^{۵۱} ای سلمان! تو با او خواهی بود و نیز هر کس که چون تو باشد و مانند تو، به او معرفت داشته باشد...»

دوم. آنچه از صفات و ویژگی‌های یاران حضرت برشمردیم، غالباً مربوط به یاران ویژه حضرت (۳۱۳) یاور مخصوص آن امام همام) بود؛ یاورانی که فرماندهان لشکر، دستیاران و حکام او هستند: «هم الوزراء يحملون أقال المملكة عنه؛ آنان وزیران اویند که از جانب او، سنگینی بار حکومت را بر دوش می‌کشند». و «هم النجباء و القضاة و الحکام و الفقهاء فی الدین...»^{۵۲} آنان برترین‌ها، قاضیان، حاکمان و فقیهان در دین‌اند». لیکن یاران حضرت منحصر در این مجموعه نیستند. در روایات، برای حضرت از لشکر ده هزار نفری نیز سخن به میان آمده است. قیام حضرت از مکه، پس از اجتماع آنان خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «لا یخرج القائم من مکه حتی تکمل الحلقة»^{۵۳} امام قائم علیه السلام از مکه خارج نمی‌شود؛ مگر هنگامی که گروه تکمیل شوند». راوی می‌پرسد: آنان چند نفرند؟ امام پاسخ می‌دهد: «عشرة آلاف؛ ده هزار نفر». اینان، علاوه بر خیل عظیم مؤمنانی‌اند که در میانه راه به حضرت خواهند پیوست.

سخن آخر این‌که ما اگر همّت آن‌را نداریم که در جمع یاران ویژه حضرت باشیم؛ لا اقل بکوشیم که از خیل عظیم همراهان حضرت و لشکر همگانی آن عزیز، بیرون نباشیم.



پی نوشت ها:

۱. منتخب الأثر، ص ۴۸۲.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۳. نور (۲۴)، آیه ۵۵.
۴. معجم احادیث الإمام المهدي، ج ۵، ص ۲۸۴.
۵. قصص (۲۸)، آیه ۵.
۶. معجم احادیث الإمام المهدي، ج ۵، ص ۳۲۱.
۷. همان، ج ۳، ص ۳۸۵.
۸. برای توضیح بیشتر ر.ک: خورشید مغرب، ص ۵۲.
۹. امام علی علیه السلام: (منتخب الاثر، ص ۶۱۱).
۱۰. امام صادق علیه السلام: (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).
۱۱. امام علی علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۴. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۲۰)
۱۲. امام صادق علیه السلام: همان.
۱۳. همان.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۱۵. حضرت محمد صلی الله علیه و آله: يوم الخلاص، ص ۲۲۳. (به نقل از بشارة الإسلام، ص ۹)
۱۶. امام سجاد علیه السلام: (منتخب الأثر، ص ۲۴۴).
۱۷. امام صادق علیه السلام: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. حضرت محمد صلی الله علیه و آله: يوم الخلاص، ص ۲۲۳. (به نقل از بشارة الإسلام، ص ۹)
۲۱. امام صادق علیه السلام: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲۲. امام صادق علیه السلام: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲۳. امام سجاد علیه السلام: منتخب الأثر، ص ۲۴۴.
۲۴. مائده (۵)، آیه ۵۴.
۲۵. منتخب الأثر، ص ۴۷۵.
۲۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.
۲۷. امام علی علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۴. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۲۰)
۲۸. امام سجاد علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۸. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۴)
۲۹. همان.
۳۰. همان.
۳۱. اختصاص شیخ مفید، ص ۱۷۲.
۳۲. عن المفضل و قال: كنت عند ابي عبدالله علیه السلام بالطواف فنظر الی و قال لی: یا مفضل مالی اراک مهموماً متغیر اللون؟ قال: فقلت له: جعلت فداک نظری الی بنی العباس و ما فی ایدیهم من هذا الملك والسلطان و الجبروت فلو کان ذلك لکم لکنّا فیہ معکم. فقال: یا مفضل اما لو کان ذلك لم یکن الا سیاسة اللیل و سیاحة النهار و اکل الجشب و لبس الخشن شبه امیر المؤمنین ۷ و الافالنار...»: (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹).
۳۳. امام صادق علیه السلام: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.
۳۴. منتخب الاثر، ص ۴۶۹.
۳۵. امام علی علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۳. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۲۰)
۳۶. همان.
۳۷. همان.
۳۸. مائده (۵)، آیه ۵۴.
۳۹. منتخب الاثر، ص ۴۷۵.
۴۰. امام علی علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۶. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۹۷)
۴۱. غیبة طوسی، ص ۵۲.
۴۲. امام علی علیه السلام: يوم الخلاص، ص ۲۲۶. (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۲۹۷)
۴۳. منتخب الاثر، ص ۴۶۹.
۴۴. مائده (۵)، آیه ۵۴.
۴۵. منتخب الاثر، ص ۴۷۵.
۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳: «ان اصحاب القائم شباب لا کھول فیہم الا کالکحل فی العین والملح فی الطعام و اقل الزاد الملح».
۴۷. همان، ص ۲۲۳.
۴۸. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۱۰۱.
۴۹. يوم الخلاص، ص ۲۲۴، (به نقل از بشارة الاسلام، ص ۳۹).
۵۰. «امام صادق علیه السلام: إذا قام قائم آل محمد استخرج من ظهر الکعبة سبعة و عشرين رجلاً و سبعة من اصحاب



- ۵۱. همان، ص ۲۲۲.
- ۵۲. همان، ج ۵، ص ۳۷.
- ۵۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.

الكهف و يوشع، وصى موسى، و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسي، و أبادجانة الانصارى، و مالك الأشر؛ چون قائم آل محمد عليه السلام قيام كند از پشت كعبه بيست و پنج نفر را بيرون خواهد آورد... و هفت نفر از اصحاب كهف و يوشع، وصى حضرت موسى و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسي و ابادجانه انصارى و مالك اشتر». (معجم أحاديث الامام المهدي، ج ۵، ص ۱۲۲).

